

بررسی مقایسه‌ای تفکر انتقادی و خودکارآمدی دانشجویان رشته‌های هنری و غیرهنری

دکتر محمدرضا تمنایی فر*
دکتر محمد امینی**
زینب یزدانی کاشانی***

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی مقایسه‌ای تفکر انتقادی و خودکارآمدی دانشجویان رشته‌های هنری و غیرهنری بوده است. جامعه پژوهش، شامل کلیه دانشجویان دختر مقطع کارشناسی دانشگاه کاشان در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ است که از میان آنها نمونه‌ای مشتمل بر ۳۲۰ دانشجوی (۱۶۰ دانشجوی رشته هنری و ۱۶۰ دانشجوی رشته غیرهنری) با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند که در سن، جنس و پایه تحصیلی همتا شده‌اند. روش تحقیق از نوع علی-مقایسه‌ای است. ابزارهای سنجش در این تحقیق، شامل پرسشنامه مشخصات عمومی، آزمون مهارت‌های تفکر انتقادی کالیفرنیا-فرم ب و مقیاس خودکارآمدی شرر بوده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی (فراوانی، میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون t) استفاده شده است. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد که دانشجویان رشته‌های هنری در مقایسه با دانشجویان رشته‌های غیرهنری از تفکر انتقادی و خودکارآمدی بالاتری برخوردارند؛ همچنین دانشجویان رشته‌های هنری نسبت به دانشجویان رشته‌های غیرهنری نمره‌های بالاتری در خرده مقیاس‌های تفکر انتقادی کسب کردند. نتایج این پژوهش، مؤید آن است که آموزش هنر، بر رشد تفکر انتقادی و خودکارآمدی تأثیر به‌سزایی دارد و به تثبیت جایگاه والای هنر در نظام آموزشی کمک می‌کند.

واژگان کلیدی: تربیت هنری، تفکر انتقادی، خودکارآمدی، یادگیری مسئله‌محور، برنامه درسی مغفول

* استادیار روان‌شناسی دانشگاه کاشان

** استادیار برنامه‌ریزی درسی دانشگاه کاشان

*** دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی دانشگاه کاشان